

آرال.استاین

عروسک خیمه شب بازی

ترجمه : آرسام حمیدی فر

فهرست

- مقدمه: هفت سال قبل ۹
- بخش اول: هفت سال بعد ۲۱
- بخش دوم: یک هفته بعد ۷۳

من "آرال. استاین" هستم. به مرکز ترس و وحشت خوش آمدید. اگر عکس‌های "کتاب‌های تحت تعقیب" را دیده باشید، می‌بینید که آن‌ها از حال بهم زن‌ترین، وحشتناک‌ترین و معروف‌ترین شخصیت‌ها هستند و می‌دانید که آن‌ها از شخصیت‌های پرطرفدار از کتاب‌های پرطرفدار هستند. این کتاب دو عروسک خیمه شب بازی عجیب و غریب دارد. من هم از واقعی بودن آن‌ها حالم بهم می‌خورد. آن‌ها همانند انسان‌های معمولی یا آدمک‌های خیمه شب بازی هستند. حالا بن و جنی رنفرو داستانی درباره این عروسک‌ها به شما تقدیم می‌کنند. ترسناک است جوری که شما نمی‌دانید چه کسی نخ‌ها را می‌کشد. در ادامه این داستان را بخوانید تا متوجه شوید چرا این کتاب پرطرفدار است.

«جنی" امروز روز تولدت است، با برادرت دعوا نکن.»

جنی فریاد زد:

«اما "بن" شکلات منو برداشته!»

بن جواری به جنی نگاه کرد و شکلات را فشار داد که "خانم رنفرو" هم همه چیز را دید. موی پیشانی اش را کنار زد.

«چرا شما شکلات رو تقسیم نمی‌کنین؟ شما دوقلوئید باید هر چیزی رو بین خودتون تقسیم کنین.»

جنی به برادرش اخم کرد:

«بن هیچ چیزی رو تقسیم نمی‌کنه.»

جنی می‌خواست به سرعت شکلات را بگیرد ولی بن شکلات را قاپید.

«یک شکلات دیگه بردار، بدبو!»

«بن در روز تولدت اینجواری حرف نزن الان تو پنج سالته و باید مثل

یک مرد رفتار کنی.»